

نوع مقاله: ترویجی

عوامل تأثیرگذار بر هویت دینی جوانان

fazlollahigh@yahoo.com

co123zohreshibane@gmail.com

سیف‌اله فضل‌الهی قمشی / استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

زهرا شبیبانی / دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۱۹

دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۱۱

چکیده

مسئله هویت دینی جوانان با توجه به نقش کلیدی و سازنده جوانان در جامعه و آینده کشور، اهمیتی بس ویژه و قابل تأمل دارد. از سوی دیگر، هویت دینی در منابع دینی ما پایه و اساس دیگر هویت‌هاست و می‌توان گفت که قوام این هویت باعث قوام سایر هویت‌ها و زوال آن موجب چالش در دیگر هویت‌ها خواهد شد. از این رو، هدف این پژوهش تبیین عوامل تأثیرگذار بر هویت دینی جوانان است. روش تحقیق تحلیل اسناد و توصیف آیات و روایاتی است که به اهمیت دوران جوانی در میان ادوار مختلف زندگی اشاره کرده‌اند و همچنین به مسئله هویت دینی و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آن پرداخته‌اند. یافته‌ها حاکی از آن هستند که نه تنها عوامل فردی و خودشناسی، بلکه عوامل اجتماعی نظیر خانواده، گروه همسالان و رسانه‌ها نیز در تکوین هویت دینی سهمی بسزا و چشم‌گیر دارند.

کلیدواژه‌ها: جوان، هویت دینی، خانواده، همسالان، رسانه.

مقدمه

که در جوانی خوب بندگی خدا کند، خداوند در پیری به او حکمت می‌آموزد» (ابن‌قیم جوزی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۱۶۸). «وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَاسْتَوَىٰ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا» (قصص: ۱۴)؛ «وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ» (قصص: ۲۸). خدای متعال می‌فرماید: «و چون به رشد و کمال خویش رسید، به او حکمت و دانش عطا کردیم» و در ادامه آیه می‌فرماید: «و نیکوکاران را چنین پاداش می‌دهیم».

امام خمینی^ع نیز، با توجه به ویژگی‌هایی که از انسان ترسیم می‌کند و براساس منزلت و جایگاه و شأنی که برای انسان قائل است، مصلحت واقعی و سعادت حقیقی و راستین او را در این می‌بیند که این موجود چندبعدی و همه‌جانبه، از همه استعدادهای درونی خود بهره‌جسته و به منزلت حقیقی خود که نیل به مقام خلیفه‌الهی است، واصل گردد (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۰، ص ۶۷-۶۸).

امروزه به نظر می‌رسد با پیشرفت تکنولوژی و توسعه ارتباطات، که منجر به ایجاد بحران‌های شدید هویتی در جوانان شده است، مسئله هویت و به‌ویژه هویت دینی، اهمیتی ویژه یافته است. هویت مفهومی بس گسترده دارد و ابعاد و جنبه‌های متنوع آن بر کسی پوشیده نیست؛ ولی به‌طور قطع، مبنا و محور اصلی تمام آنها هویت دینی است؛ هویتی که نه فقط عوامل فردی، بلکه عوامل اجتماعی نیز در شکل‌گیری آن می‌تواند نقش بسزایی داشته باشد. عواملی که اگر صحیح و به‌طور مؤثر به کار گرفته شوند، نتیجه‌ای جز کمال نخواهند داشت و اگر از مسیر صحیح خود خارج شوند، عقوبتی جز سردرگمی و شقاوت در انتظارش نخواهد بود. براین‌اساس، پژوهش پیش‌رو با هدف تبیین عوامل تأثیرگذار بر هویت دینی جوانان، سعی دارد با شناسایی عوامل مختلف تأثیرگذار بر شکل‌گیری هویت جوانان، بسترهای لازم برای توسعه و تعمیق آن را در جامعه اسلامی ایران برای سازندگان آینده، مهیا سازد؛ امری که به نظر می‌رسد علی‌رغم تأکیدات زیاد، تا حدود زیادی مغفول مانده، و این مسئله می‌تواند آسیب‌های زیادی به فرایند اجتماعی‌شدن فرد در جامعه وارد کند که بررسی سوابق تحقیقات انجام‌شده مبنای این موضوع است.

نتایج پژوهش قاسمی و همکاران (۱۳۹۱)، که به بررسی تعامل در فضای مجازی شبکه‌های اجتماعی و اینترنتی و تأثیر آن بر هویت دینی جوانان انجام گرفت، نشان داد که بین مدت زمان عضویت، میزان استفاده و میزان مشارکت و فعالیت کاربران در

هویت از منظر دانشمندان مختلف، تعاریف متفاوتی دارد. اندیشمندان با رهیافت‌های مختلف سعی کرده‌اند به این موضوع بپردازند. این پرسش که (من کیستم؟)، همواره از پیچیده‌ترین پرسش‌هایی است که تاکنون پاسخ دقیق و روشنی به آن داده نشده است و همواره بین محققان و نظریه‌پردازان، اختلاف‌نظرهای بسیاری در این زمینه وجود دارد. امیرمؤمنان علی^ع نیز به این امر اشاره کرده‌اند؛ آنجا که فرموده‌اند: «رَحِمَ اللَّهُ أُمَّرَةً عَلِمَ مِنْ آيِنِ وَالِي آيِنَ» (فیض کاشانی، ۱۳۴۱، ج ۱، ص ۱۶)؛ رحمت خدا بر کسی است که بداند از کجا آمده است، در چه موقعیتی قرار دارد و به کجا خواهد رفت.

از منظر علم و دین، در تمام عمر و طول حیات انسانی هیچ برهه‌ای مهم‌تر از دوره نوجوانی و جوانی نیست. در شکل‌گیری شخصیت هر فرد، مقطع جوانی از جایگاه خاص و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. شاید بتوان گفت که ثبات شخصیت هر انسانی در این سنین آغاز و به هر نحوی که شکل گیرد، غالباً به همان صورت قوام یافته و تثبیت می‌گردد و به همین دلیل در روایات، بر اهمیت و برتری این مقطع سنی تأکیدات فراوانی شده و نیز روان‌شناسان، این دوره را «حیات مجدد انسان» نامیده‌اند. پیامبر اکرم^ص در تکریم و احترام به جوانان فرمود: «فضیلت و برتری جوان عابد که از آغاز جوانی خدا را عبادت کند، بر پیری که وقت پیری مشغول عبادت گردد چون فضیلت پیامبران است بر سایر مردم» (متقی هندی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۵، ص ۷۶). نیز در حدیثی دیگر پیامبر اکرم^ص می‌فرماید: «انسان باید برای آخرتش از دنیا، برای مرگش از زندگی و برای پیری‌اش از جوانی، توشه برگیرد؛ چراکه دنیا برای شما آفریده شده و شما برای آخرت آفریده شده‌اید» (ورامبن ابی‌فراس، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۱۳۱).

ایشان خطاب به والدین و مربیان در برخورد با جوانان و نوجوانان می‌فرمایند: «لَوْصِيكُمْ بِالشَّبَابِ خَيْرًا فَإِنَّهُمْ أَرْقُ أَفِيْدَةٌ إِنَّ اللَّهَ بَعَثَ بَشِيرًا وَ نَذِيرًا فَخَالَفَنِي الشَّبَابُ وَ خَالَفَنِي الشَّيْخُ ثُمَّ قَرَأَ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَفَسَتْ قُلُوبُهُمْ» (قمی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۷۶)؛ شما را به نیکی با جوانان سفارش می‌کنم؛ چراکه آنان، دل‌های رقیق‌تری دارند، به راستی که خداوند، مرا بشارت‌دهنده و هشداردهنده برانگیخت، جوانان با من هم‌پیمان شدند و پیران با من به مخالفت برخاستند. آن‌گاه این آیه را خواندند: «و عمر آنان به درازا کشید و دل‌هایشان سخت گردید.

همان‌گونه که در آیات و روایات هم تأکید شده است: «هرکس

سایر متغیرها، مانند وسایل ارتباط جمعی و رشته تحصیلی، رابطه چندانی با هویت دینی نداشته‌اند.

در پژوهشی که توسط کلاتتری و همکاران (۱۳۸۸) با عنوان «هویت دینی و جوانان (نمونه آماری جوانان شهر شیراز)» انجام گرفت؛ نتایج نشان داد که ۸ درصد پاسخ‌گویان دارای هویت دینی متوسط، ۸۸ درصد بالا و ۴ درصد دارای هویت دینی ضعیف بودند؛ و میانگین نمره هویت دینی ۸۰/۱ به دست آمده بود. در بین عوامل اجتماعی مؤثر، مشارکت اجتماعی، رضایت اجتماعی، ارتباط با دیگران، عضویت در مقولات اجتماعی، اثر مثبت و احساس نابرابری اجتماعی، فردگرایی و رسانه‌های گروهی، اثر منفی بر هویت دینی دانش‌آموزان داشتند؛ و متغیرهای مستقل در این تحقیق توانسته بودند ۴۲ درصد از کل تغییرات متغیر وابسته را تبیین کنند. در پایان نتیجه گرفته شده که دانش‌آموزان دین را با وجود پیشرفت علم برای زندگی مهم دانسته‌اند.

یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد که استفاده از ماهواره و شبکه‌های ارتباطی خارجی تأثیری منفی بر هویت ملی و دینی دانش‌آموزان داشته است.

تحقیق نیازی (۱۳۹۰) در زمینه نقش ماهواره و برنامه‌های ماهواره‌ای در فرسایش هویت فردی، اجتماعی، ملی و دینی این نکته را مورد تأیید قرار داده که استفاده از ماهواره باعث کاهش و تضعیف هویت ملی و دینی شهروندان شده است.

ابوالقاسمی و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهش خود تأثیرات منفی اینترنت را بر ارزش‌های خانواده، از منظر هویت دینی و ملی مورد تأیید قرار داده و تأکید می‌کنند که با توجه به اجتناب‌ناپذیر بودن فناوری‌های ارتباطی، تنها راه ممکن افزایش آگاهی و تعهد نسبت به ارزش‌های اخلاقی موردنظر می‌باشد تا از این طریق، ضمن جذب و توسعه فناوری‌های نوین و مرتبط شدن با مقتضیات عصر اطلاعات و ارتباطات، بتوان هویت ملی و دینی جامعه امروز ایران را به‌عنوان بزرگ‌ترین چالش فرهنگی پیش‌رو حفظ و نگهداری کرد.

تحقیق سفیری و غفوری (۱۳۸۸) در زمینه بررسی هویت ملی و دینی جوانان شهر تهران نیز نشان می‌دهد والدینی که پابندی بیشتری به مؤلفه‌های هویت ملی و دینی دارند، فرزندان آنان از این دو هویت برخوردارتری بیشتری دارند.

کروگر (۲۰۱۳) مشکلات جو عاطفی خانواده و مسئولیت‌پذیری

استفاده از فیس‌بوک، رابطه معنادار معکوس، و بین واقعی تلقی کردن محتوای فیس‌بوک و هویت دینی کاربران، رابطه معنادار مثبتی وجود دارد؛ یعنی هرچه مدت زمان عضویت، میزان استفاده و میزان مشارکت و فعالیت کاربران در استفاده از فیس‌بوک افزایش پیدا می‌کند، از برجستگی هویت دینی نزد آنها کاسته می‌شود. همچنین یافته‌ها بر این واقعیت دلالت دارد که جوانان متناسب با نوع نیازهای دینی و مذهبی خود از فیس‌بوک استفاده می‌کنند و به همان ترتیب، استفاده از فیس‌بوک بر شیوه و سبک دین‌داری آنها تأثیر می‌گذارد و قرائت‌های دینی مختلف را در آنها افزایش می‌دهد.

لطف‌آبادی و نوروزی (۱۳۸۳) در پژوهش خود به بررسی و سنجش رابطه هویت دینی و ملی دانش‌آموزان ایرانی با نگرش آنها به جهانی‌شدن پرداخته و نتیجه‌گیری می‌کنند که گروه زیادی از جوانان ایرانی با مشکلی که پژوهشگران مذکور آن را کم‌رشدی در هویت دینی و ملی می‌نامند، مواجه هستند. از دیدگاه این محققان، در جامعه ایران امروز پدیده جهانی‌شدن عملاً باعث شکل‌گیری احساس چندپارگی، گم‌گستگی، بی‌ثباتی در میان گروه‌هایی از مردم، به‌ویژه نوجوانان و جوانان شده است.

همچنین یافته‌های پژوهشی/نیزدی و قاسمی (۱۳۹۰) بیانگر آن است که بین استفاده از شبکه اطلاعات جهانی (اینترنت) و هویت ملی و دینی افراد رابطه معناداری وجود دارد. به‌طوری که ساعات ممتد استفاده از اینترنت به‌خاطر جاذبه‌های آن، باعث تضعیف هویت دینی و ملی می‌شود.

آذرخش (۱۳۸۷) در تحقیق خود با عنوان «بررسی وضعیت هویت دینی دانش‌آموزان در شهر سنجند» را با ۳۶۹ دانش‌آموز پسر در سنین ۸ تا ۱۴ سال انجام داد و هویت دینی آنها را در سه سطح اعتقادی - شناختی، تجربی - احساسی و مناسکی - ارزشی بررسی کرد. نتایج تحقیق حاکی از آن بود که رابطه همبستگی معناداری بین سن و هویت دینی در سطوح تجربی - احساسی و مناسکی - ارزشی وجود دارد. با این حال رابطه بین هویت دینی و سطح اعتقادی - شناختی مشاهده نشد. همچنین رابطه معناداری بین رشته تحصیلی و هویت دینی، مخصوصاً در سطح دبیرستان مشاهده شد؛ نهایتاً رابطه معناداری بین تحصیلات پدر و هویت دینی دانش‌آموز مشاهده نشد. تحصیلات مادر در این رابطه نقش معکوسی داشته است. سن و پایگاه اقتصادی - اجتماعی در بین متغیرهایی بودند که در تحلیل رگرسیونی بیش‌ترین رابطه را با هویت دینی داشته‌اند،

و تعهدات مذهبی ضعیف دارند. افرادی که دچار هویت زود شکل گرفته هستند، در خانواده‌های متحجر، متعصب و انعطاف‌ناپذیر هستند. برخی از خانواده‌های آنان، تعهدات خانوادگی خود را به صورت دفاعی به کار می‌برند و هرگونه اختلاف عقیده‌ای را تهدید قلمداد می‌کنند. اکثر اعضای خانواده این افراد می‌ترسند افرادی که برای محبت و عزت نفس به آنها وابسته هستند، طردشان کنند.

تحلیل واقع‌بینانه پیشینه‌های گردآوری شده به وضوح بیانگر ناکافی بودن پژوهش‌ها، علی‌رغم اهمیت مسئله در جامعه است؛ و شاید این تحقیق از متمایزترین مطالعات موجود و آن‌هم با رویکردی به منابع معتبر مبتنی بر آموزه‌های فرهنگ اسلامی باشد. سعی شده است تا به اهمیت دوران جوانی، نقش مهم کسب هویت دینی در این دوران و نیز عوامل فردی و اجتماعی مؤثر بر آن، به صورت توأمان پرداخته شود. براین اساس سؤال اصلی تحقیق این است که مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر هویت دینی چیست؟ کدام دوره از ادوار زندگی، فرد جویای کسب هویت خویش است؟ و نقش خودشناسی، خانواده، همسالان و رسانه در کسب هویت دینی چگونه است؟

۱. هویت

در فرهنگ معین، هویت به معنای ذات باری تعالی، هستی، وجود و آنچه که موجب شناسایی شخص شود، آمده است (معین، ۱۳۵۱، ج ۶، ح ۵۲۲۸)؛ و در فرهنگ عمید، هویت به معنای حقیقت شیء یا شخص، که مشتمل بر صفات جوهری او باشد، اشاره شده است. به یک معنا هویت عبارت است از آنچه سبب تشخیص یا موجب شناسایی فرد می‌شود (عمید، ۱۳۷۵، ج ۲، ح ۱۲۶۵).

هویت، که در لاتین به آن Identity می‌گویند، از ریشه Idem و Identitas به معنی «مشابه و یکسان» است. این واژه در یک معنا به ویژگی یکتایی و فردیت، یعنی تفاوت‌های اساسی که یک شخص را از همه کسان دیگر به واسطه هویت خودش متمایز می‌کند، اشاره دارد و در معنای دیگر همسانی که براساس صورت مشترک برجسته‌ای، نظیر ویژگی‌های قومی و... که به دیگران پیوندند، آمده است (فکوهی، ۱۳۸۱، ص ۱۲۷).

اریکسون در سال ۱۹۵۰ هویت را به‌عنوان مهم‌ترین تکلیف دوران نوجوانی دانست. شکل‌گیری هویت، ترکیب مهارت‌ها، جهان‌بینی و همانندسازی‌های دوران کودکی است که به صورت یک کل منسجم

درواقع، هویت یک فرایند راهبردی زمان‌بر است و فرد در طی یک راهبرد طولانی، از دوران کودکی با تأثیرپذیری ناخودآگاه از عوامل و شرایط مختلف به سازماندهی آن اقدام می‌کند. شخصیت یا همان هویت، شامل آموخته‌ها (فرایندهای تفکر)، هیجانات و عواطف (فرایندهای احساسی) و رفتارهای شهودی است (سیاسی، ۱۳۸۳، ص ۸۱).

آنچه شخصیت واقعی انسان را شکل می‌دهد و «من» واقعی او خوانده می‌شود، بدن و جهازات بدنی و هرچه از توابع بدن به‌شمار می‌رود نیست؛ زیرا بدن و جهازات بدنی و توابع آنها به جایی تحویل نمی‌شوند و در همین جهان، تدریجاً منهدم می‌گردند. آن چیزی که شخصیت واقعی ما را تشکیل می‌دهد و «من» واقعی ما محسوب می‌شود، همان است که در قرآن از آن به «نفس» و احیاناً به «روح» تعبیر شده است. (مطهری، ۱۳۸۹، ص ۱۰). وی معتقد است که براساس قرآن کریم، «نفس» انسان دارای مراتب وجودی گوناگونی است که هر یک از این مراتب، نمایانگر چگونگی زندگی و شخصیت وی از جهت ارزشی هستند. در قرآن کریم، از سه مرتبه نفسانی در انسان سخن به میان آمده است:

«إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ» (یوسف: ۵۳)؛ نفس [انسان] قطعاً به بدی امر می‌کند.

«وَأَلَّا أُقِیمُ بِالنَّفْسِ الْوَالِمَةِ» (قیامت: ۲)؛ و سوگند به نفس ملامت‌گر.
«يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّاتٍ» (فجر: ۲۷-۳۰)؛ ای نفس مطمئنانه! خشنود و خداپسند به سوی پروردگارت بازگرد؛ پس آن‌گاه در زمره بندگان (خاص) من درآی، و به بهشت من وارد شو.

استاد شهید مطهری از این نوع موضع‌گیری قرآن نتیجه می‌گیرد که «طبیعت نفسانی انسان، مراحل مختلفی می‌تواند داشته باشد»؛ به‌گونه‌ای که در یک مرحله، به شرارت فرمان می‌دهد؛ در مرحله دیگر به دلیل شری که مرتکب شده است، خود را سرزنش می‌کند؛ در مقام و مرحله دیگر، آرام می‌گیرد و گرد شر و بدی نمی‌گردد (مطهری، ۱۳۸۷، ص ۴۳). در آیه دیگری آمده است: «وَوَ»

می‌شود (چیت‌ساز قمی، ۱۳۸۳، ص ۲۱). با توجه به اینکه یکی از ویژگی‌های هویت، ابعاد چندگانه آن است، هویت دینی نیز دارای ابعاد مختلفی است، که موارد زیر را شامل می‌شود:

الف) بعد دین‌داری و نگرش به نفس دین

«دینی بودن» عنوان عامی است که به هر فرد یا پدیده‌ای که ارزش‌ها و نشانه‌های دین در آن متجلی باشد، اطلاق می‌شود. تجلی ارزش‌ها و نشانه‌های دینی بودن فرد را می‌توان در نگرش، گرایش و کنش‌های آشکار و پنهان او شناسایی کرد. فرد متدین از یک‌سو، خود را ملزم به رعایت فرامین و توصیه‌های دینی می‌داند و از سوی دیگر، اهتمام و ممارست‌های دینی، او را به انسانی متفاوت با دیگران مبدل می‌سازد. بدین طریق می‌توان با دو نشانه او را از دیگران بازشناخت؛ یکی از طریق پایبندی و التزام دینی‌اش، و دیگری پیامد دین‌داری آثار تدین در فکر و جان و عمل فردی و اجتماعی او. پس دین‌داری به بیان کلی، یعنی داشتن اهتمام دینی به نحوی که نگرش، گرایش و کنش‌های فرد را متأثر سازد (شجاعی‌زند، ۱۳۸۳، ص ۳۶).

ب) بعد فرهنگی (تعهدی)

تعهد دینی مجموعه‌ای از عناصر شناختی نمادین و عملی است که میراث سنتی خاص را تشکیل می‌دهد. مثل آموزه‌ها، کتاب‌ها، رفتارها و آیین‌ها، تاریخ اندیشه‌ها و شیوه‌های اندیشه‌ورزی که ریشه در فعالیت‌های اجتماعی اجتماعات دارد، عادات غذا خوردن، لباس پوشیدن، امور بهداشتی و نظایر آن، که با نظام اعتقادات مرتبطند، هنر و آموزه‌های زیباشناختی که به‌طور عملی توسعه یافته و با این اعتقادات ارتباط دارد و نظایر آن عناصر، بعد فرهنگی هویت است. در واقع، بعد فرهنگی، نگرش مثبت به میراث فرهنگی - مذهبی مسلمانان و تلاش برای حفظ و نگهداری آن است (چیت‌ساز قمی، ۱۳۸۳، ص ۱۹۶).

ج) بعد تاریخی (تعلقی)

منظور از آن، آگاهی و کسب دانش نسبت به پیشینه تاریخی دین و احساس تعلق خاطر و دلبستگی بدان دانست (همان، ص ۱۹۵). این بعد به آگاهی مشترک افراد یک جامعه از گذشته تاریخی دین خود و احساس دلبستگی به آن و اهتمام به حفظ و زنده نگهداشتن آن دلالت می‌کند (قادری، ۱۳۸۴، ص ۵۲).

نَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا» (شمس: ۷-۱۰)؛ سوگند به نفس و آن کس که آن را درست کرد، سپس پلیدکاری و پرهیزگاری‌اش را به آن الهام کرد؛ هر کس آن را پاک گردانید، قطعاً رستگار شد و هرآنکه آلوده‌اش ساخت، قطعاً دچار خسران شد.

استاد شهید مطهری در تفسیر این آیه می‌نویسد: «از این جمله فهمیده می‌شود که اولاً، قرآن کریم آلوده شدن ضمیر انسان را ممکن می‌داند و ثانیاً، پاکیزه کردن ضمیر را از آن آلودگی‌ها در اختیار خود شخص قرار داده و ثالثاً، آن را لازم و واجب می‌شمارد و سعادت و رستگاری را در گرو آن می‌داند (مطهری، ۱۳۸۷، ص ۴۰). با توجه به آنچه گفته شد، هویت امری ثابت و تغییرناپذیر نبوده و می‌تواند به مرور زمان تغییر کند.

۲. دین

به اعتقاد شهید مطهری، دین چیزی است که اقتضای آن در سرشت و ذات انسانی هست؛ یعنی طلب او، خواست او و جست‌وجوی او در طبیعت انسان است.

معنای اصطلاحی دین در قرآن عبارت است از: برنامه و نظام کامل، شامل و فراگیری که از یک سو، بیان‌کننده وجود فرمانروا و فریادرس مطلق است که بر اجزا و اعضای پیدا و پنهان هستی احاطه کامل دارد و از سوی دیگر، نمایانگر فرمان‌پذیری و بندگی پناه‌جویی است که وجود، فرمان، قدرت و احاطه آن فرمانروا را پذیرفته است. در عرف عمومی، دین را به پاره‌ای رفتارهای معطوف به رهبانیت، زهدگرایی، آخرت‌اندیشی و به‌طور کلی برخی اعمال و مناسک عبادی خاص و مشخص می‌دانند؛ به‌طوری که معتقدند کاربرد و کارکرد دین همین امور است و بس (ویسی، ۱۳۸۵، ص ۴۸).

۳. هویت دینی

هویت دینی یکی از ابعاد مهم هویت اجتماعی است که متضمن سطحی از دین‌داری است که با اجتماع دینی مقارن است. در واقع هویت دینی نشان‌دهنده احساس تعلق و تعهد به دین و جامعه دینی است. هویت دینی در واقع همان آثار و عوارض ناشی از حمل وصف دین بر فرد دیندار است. به تعبیر بهتر، با پذیرش دین به‌عنوان یک اصل اعتقادی، در زندگی فرد مؤمن، تغییرات و نتایج مهمی در وجوه مختلف حیات حاصل

گلارک و استارک ویژگی‌های مرتبط با دین‌داری را حول پنج بعد زیر جمع‌بندی کرده‌اند که در این بررسی بدان استناد شده است.

این پنج بعد به شرح زیر است:

۱. بعد اعتقادی یا باور دینی که نوعی ادراک فردی برخاسته از

معرفت دینی است، که دربارهٔ حقانیت اصول دینی، به فرد بینش خاص می‌دهد. در واقع، این بعد دربرگیرنده باورهایی است که انتظار می‌رود یک فرد با توجه به دین خاص خود به آنها اعتقاد داشته باشد.

۲. بعد مناسکی و اعمال دینی که مشتمل بر دو دسته است؛

یکی تحت عنوان شعائر و مناسک مطرح بوده و عبارت است از:

آداب و رسوم و مراسمی که هر دین از پیروان خود انتظار دارد که

بدان‌ها عمل شود؛ دیگری پرستش و دعا که اعمال دینی و

خصوصی و غیررسمی است که فرد آنها را فقط با رضایت خاطر و

بدون هیچ‌گونه اجباری انجام می‌دهد.

۳. بعد عاطفی یا تجربی که ناظر به عواطف، تصورات و

احساسات پیروان یک دین به وجودی ربوبی، همچون خدا یا واقعیتی

غایی و اقتداری متعالی است.

۴. بعد فکری یا دانش دینی که مشتمل بر اطلاعات و

دانسته‌های بنیادی در مورد معتقدات هر دین است.

۵. بعد پیامدی یا آثار دینی که ناظر بر اثرات باورها، اعمال،

تجارب و دانش دینی بر زندگی روزانه است و به عبارت دیگر، تأثیر و

انعکاس دین در رفتارهای روزمره است، در واقع هویت دینی یعنی

داشتن اهتمام دینی به نحوی که نگرش، گرایش و کنش‌های فرد را

متأثر سازد (شجاعی‌زند، ۱۳۸۳، ص ۳۶). می‌توان گفت که هویت

دینی نشان‌دهندهٔ اتکای فرد به یک نظام یا پایگاه اعتقادی است که

بر جهت‌گیری فرد در زمینه‌های مختلف و فلسفهٔ زندگی و حیات

وی تأثیر می‌گذارد (ایزدی و قاسمی، ۱۳۹۰، ص ۱۱۴).

ازجمله آثار هویت مذهبی و دینی مؤثر بر جوانان، اولاً، در رشد و

پرورش روحیه تأثیر مستقیم می‌گذارد؛ ثانیاً، معنویت و مذهب، یک

تفسیر درست ذهنی از معنای زندگی به دست می‌دهد که جوان در پرتو

تفسیر برآمده از معنویت دربارهٔ زندگی، هرگز دچار بحران هویت

نمی‌شود. ثالثاً، در عمل و متن زندگی به زندگی معنا می‌دهد و زندگی را

معنادار می‌سازد. رابعاً مذهب و معنویت در دوران جوانی و زندگی

دانشجویی لذات پایدار معنوی ایجاد می‌کند که از مهم‌ترین سرمایه‌های

جوان در آینده شغلی و زندگی فردی اوست. خامساً، معنویت باعث

می‌شود انسان خودش را به دست آورد. بسیاری از مشکلات انسان

امروزی و خسته‌شدن از برخی کارها به‌خاطر آن است که نمی‌داند برای

چه کسی کار می‌کند. البته می‌گوید برای خودم؛ ولی این خود را نمی‌داند

کیست. چون گاهی مواقع ناخودآگاه پی می‌برد که این خودی که برایش

کار می‌کند، خود نبوده، بلکه بیگانه بوده است. سادساً، مذهب و معنویت

جوان در سرانجام زندگی‌اش نقش مهمی دارد؛ یعنی اگر کسی در سن

جوانی نتواند معنویتی بیاندوزد و خاطره و تجربه‌ای معنوی در ذهن و

وجود خویش بارور سازد؛ این نقص در گذشتن از موانع زندگی جوانی

برایش مشکلات فراوانی ایجاد می‌کند (سلمان‌پور، ۱۳۸۴، ص ۵۲-۶۰).

۴. فطرت دین‌خواهی

انسان به دلیل دارا بودن فطرت الهی، دارای حقیقت‌جویی همیشگی

و مستمر است. فطرت بر اثر غفلت‌های آدمیان غبار می‌گیرد؛ ولی

تغییرپذیر نیست. بیان شد که وجود انسان شامل جسم مادی و

روحی غیرمادی و ماورای طبیعی است. از نظر قرآن، وجود روح الهی

و خداخواهی در انسان، فصل ممیز او با جانداران بیان شده است.

روح انسان، مجرد و همیشه زنده است و نابودشدنی و ازبین‌رفتنی

نیست. بنابراین، جنس روح «حی» است و به سبب وجود فطرت

الهی در انسان، «تأله» او یعنی خداخواهی مسبوق به خداشناسی وی

و ذوب او در جریان الهیت، مشخصهٔ انسان از منظر قرآن است.

«حیّ متأله» موجود زنده‌ای است که حیات او در تأله وی تجلی دارد

و تأله همان ذوب‌شدن در ظهور الهیت است (جوادی آملی، ۱۳۹۰،

ص ۶۹). انسان به‌صورت بالقوه این توانایی و استعداد را دارد که حیّ

متأله باشد؛ ولی اینکه چگونه و به چه وسیله‌ای می‌توان این توانایی

را به حالت بالفعل در انسان درآورد و تثبیت کرد، سؤال است که با

مراجعه به آیات ابتدایی سورهٔ «الرحمن» مشخص می‌شود:

«الرَّحْمَنُ، عَلَّمَ الْقُرْآنَ، خَلَقَ الْإِنْسَانَ، عَلَّمَهُ الْبَيَانَ»؛ خداوند رحمان،

قرآن را تعلیم فرمود، انسان را آفرید، و به او «بیان» را آموخت. در

این آیات، خلقت انسان به دست خداوند متعال بعد از مسئلهٔ تعلیم

قرآن آمده است؛ درحالی‌که شاید نظم طبیعی چنین اقتضا می‌کرد که

بیان شود: «الرَّحْمَنُ، خَلَقَ الْإِنْسَانَ، عَلَّمَ الْقُرْآنَ، عَلَّمَهُ الْبَيَانَ». ولی

سیاق فعلی آیات نشان می‌دهد که انسانیت پس از تعلیم قرآن پدید

می‌آید. در واقع، تعلیم معارف قرآنی به روح انسان شرافت وجودی

می‌دهد و پدید آمدن چنین موجودی است که «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ

۵.۱. عوامل فردی (شناخت)

از مسائل مهم انسان و شاید مهم‌ترین آنها، شناخت خود انسان است. آدمی قبل از آنکه به شناخت جهان پیرامون خود و نیک و بد آن بپردازد، باید خود را بشناسد و گنجینه‌های فطرت و نهاد خود را کشف کند و آنها را به کمال برساند و امیال نفسانی و شهوانی خود را تعدیل کند. در این صورت است که به بزرگ‌ترین سعادت نایل می‌گردد. اما اگر غفلت بورزد و استعدادهای خود را نیابد و شکوفا نسازد و فقط نیازهای مادی و امیال نفسانی و حیوانی خود را برآورد، رفتار خسران شده و از مرتبه انسانیت به حیوانیت تنزل می‌کند. دعوت به شناخت انسان از توصیه‌های مهم پیامبران الهی، عالمان اخلاق، عارفان و فیلسوفان است و انسان خود نیز اهمیت آن را احساس می‌کند. البته آدمی از جهات مختلف، موضوع شناخت و علوم گوناگون است. روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، تاریخ، اخلاق، پزشکی، اندام‌شناسی، زیست‌شناسی و... هر کدام از نظرگاه خاصی انسان را مورد مطالعه قرار می‌دهند؛ اما منظور از شناخت انسان در این مبحث آن است که او دارای استعدادها و نیروهایی برای فهم خود و جهان و تکامل انسانی است. اگر انسان با تأمل و تفکر، امکانات و استعدادهایی که برای رشد و تکامل، در او آفریده شده است، بشناسد؛ بهتر می‌تواند سرمایه‌های وجودی خود را به کمال برساند. قرآن و روایات اسلامی، انسان را به خودشناسی دعوت می‌کنند (طباطبائی، ۱۳۸۷، ج ۶ ص ۱۷۳).

قرآن کریم می‌فرماید:

« انسان باید بنگرد که از چه آفریده شده است» (طارق: ۵)؛

« آیا انسان به یاد نمی‌آورد که ما او را آفریدیم و حال آنکه چیزی نبوده است» (مریم: ۱۹)؛

« ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به خود بپردازید» (مائده: ۵).

و در آیه ۱۷۹ سوره «اعراف» آمده است: «وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ»؛ و همانا بسیاری از جن و انس را برای دوزخ آفریدیم، (که سرانجامشان به آنجا می‌کشد، چراکه) آنان دل‌هایی دارند که با آن حق را درک نمی‌کنند و چشمانی دارند که با آن نمی‌بینند و گوش‌هایی دارند که با آن نمی‌شنوند، آنان همچون چهارپایان، بلکه گمراه‌ترند؛ آنان همان غافلانند.

الْخَالِقِينَ» (مؤمنون: ۱۴) را به دنبال دارد. بنابراین، در مسیر خلقت انسان تعلیم معارف قرآن باعث انسانیت انسان می‌شود و ظهور انسانیت محصول وحی الهی است. سپس در ادامه آیه آمده است: «عَلَّمَهُ الْبَيَانَ»، بیان به معنای هدفمند، مشخص و شفاف است. اگر قرآن با نزول آن قلب و درون انسان پُر شود، آثار و افعال چنین انسانی «بیان» خواهد بود، نه مبهم و نارسا. انسان «بیان» انسانی است که تمام اعمال و رفتارهای هدفمند و بر مبنای معارف قرآن است. بنابراین بیان محصول انسانیت است. به عبارتی، خدای سبحان نخست انسان بالقوه را می‌آفریند، پس قرآن را به او تعلیم می‌دهد و پس از تعلیم قرآن، اسباب خروج انسانیت از قوه به فعل فراهم می‌گردد و در نهایت، میوه انسان بالفعل، بیان معارف است (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ص ۳۹۸). انسانی که بخواهد در مسیر درست و صحیح قرار گیرد، باید آگاه باشد که عمل براساس معارف قرآنی و وحیانی است که می‌تواند او را به مقصد برساند و پاسخگوی ندای فطرت خداجو و خداخواه او باشد. توجه به این نکته ضروری است.

۵. عوامل مؤثر در شکل‌گیری هویت

مجموعه‌ای از عوامل درونی (روانی، ژنتیکی) و نیز مجموعه‌ای از عوامل تأثیرگذار بیرونی (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و...) هویت یک فرد را تشکیل می‌دهد. شخصیت هر فرد کل خصایص بدنی، فکری، عاطفی، اجتماعی و اخلاقی، اعم از موروثی یا اکتسابی و همچنین عوامل تأثیرگذار بیرونی در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است، که به‌طور آشکار وی را از دیگران متمایز می‌کند. عامل اجتماعی در درون خود به مؤلفه‌های متعددی همچون خانواده، نظام آموزشی، گروه‌های مرجع (همسالان، الگوها)، رسانه‌های جمعی و دهها عامل دیگر تقسیم می‌گردد که هریک از این عوامل می‌تواند به نوعی و تا حدی در تکوین هویت فرد تأثیرگذار باشد و فرد به درونی‌سازی آن بپردازد و این تأثیر همواره یکسان و به یک اندازه نیست. گاهی یک مؤلفه چنان اهمیت پیدا می‌کند که دیگر مؤلفه‌ها را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد (شهریاری‌نسب، ۱۳۹۴، ص ۱۱۸). بنابراین، بجاست که عوامل مؤثر بر شکل‌گیری هویت را به دو دسته فردی و اجتماعی تقسیم کنیم:

فرزند حقی است؛ حق پدر بر فرزند این است که پدر را در همه امور، جز در معصیت خدا، اطاعت کند؛ و حق فرزند بر پدر آن است که نام نیکو بر فرزند نهد، خوب تربیتش کند و او را قرآن بیاموزد.

– «شتاب در تربیت نوجوان: «لَمَّا قَلَبَ الْحَدِيثِ كَأَلْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أَلْقَى فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلْتَهُ» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، نامه ۳۱، فراز ۲۱)؛ چون قلبش مثل زمین کاشته نشده، آماده پذیرش هر بذری است که در آن کاشته شود.

– تقدم آموزش قرآن، تفسیر و احکام شریعت بر آموزش دیگر امور: «وَإِنْ اتَّبَعْتَكَ بِتَعْلِيمِ كِتَابِ اللَّهِ وَ...» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، نامه ۳۱، فراز ۲۹).

– آموزش اصلی اخلاقی مانند: «اجعل نفسک میزانا فیما بینک و بین غیرک» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، نامه ۳۱، فراز ۵۴)؛ آنچه برای خود نمی‌پسندی، برای دیگران مپسند.

– درس گرفتن از تاریخ؛ توجه به سابقین، درس گرفتن از صالحین، و پندگرفتن از باغین: «فَقَدْ نَظَرْتَ فِي أَعْمَالِهِمْ وَفَكَّرْتَ فِي أَخْبَارِهِمْ» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، نامه ۳۱، فراز ۲۴).

تأثیر از خانواده در قرآن نیز مشهود است؛ آنجا که در آیه ۱۷۰ سوره «بقره» می‌فرماید: «وَأِذْقِلْ لَهُمْ تَبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بَل تَتَّبِعُوا مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءُنَا أَوْ لُكُنَّا آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئاً أَوْ لَا يَهْتَدُونَ»؛ و چون کفار را گویند از شریعت و کتابی که خدا فرستاده پیروی کنید، پاسخ می‌دهند که ما پیرو کیش پدران خود خواهیم بود؛ آیا بایست آنها پیرو پدران باشند؛ هر چند پدران بی‌عقل و نادان بوده و هرگز به حق و راستی راه نیافته باشند؟

خانواده، منبع هنجارسازی است و می‌تواند در به فعلیت رساندن هنجارهای اخلاقی و غیراخلاقی مؤثر باشد. بنابراین، نقش خانواده بسیار مهم است و هویت مستحکم نوجوان از عواطف محکم و میزان آزادی وی در خانواده سرچشمه می‌گیرد (شریفی و کاکاوندی، ۱۳۸۹، ص ۳۵). در سال‌های کودکی و نوجوانی، خانواده بیشترین تأثیر را در شکل‌گیری هویت بر عهده دارد و در واقع پایه‌های اولیه شکل‌گیری هویت را والدین و اطرافیان بیان می‌کنند (سیاسی، ۱۳۸۳، ص ۵۶).

اسلام بر اهمیت نقش خانواده در شکل‌گیری هویت جوان تأکید فراوان دارد به‌گونه‌ای که پیامبر اکرم ﷺ می‌فرمایند: «وای بر فرزندان آخرالزمان از شیوه ناپسند پدرانشان؛ عرض شد یارسول‌الله پدران مشرک‌شان؟ فرمودند: خیر، پدران مسلمانی که چیزی از فرایض را به فرزندان نمی‌آموزند (محدث نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۶۲۵).

امیرمؤمنان علیؑ می‌فرماید: ای مردم! خودتان عهده‌دار تربیت نفس خویش باشید و آن را از کشیده شدن به طرف هوس‌ها و عادات ناروا بازدارید» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، حکمت ۳۵۹)، و نیز می‌فرماید: «زنهار! زنهار! در تربیت و سازندگی خویشتن تلاش کن» (همان، نامه ۳۰).

ایشان در جای دیگر می‌فرماید: «کسی که به خودشناسی دست یابد، به بزرگ‌ترین سعادت و کامیابی رسیده است» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ج ۶ ص ۱۷۲). بنا به نقل تاریخی بر در معبد دلفی، در یکی از شهرهای یونان باستان، برای کشف رموز خلقت و پیچیدگی‌های وجود انسان، نوشته بودند که «خود را بشناس!». /ایمانوئل کانت می‌گوید: انسان قبل از هر چیز باید به ارزیابی و شناخت دقیق توانایی شناخت خود بپردازد (کاپلستون، ۱۹۴۶، ج ۶ ص ۳۳۱). بنابراین در اهمیت خودشناسی جای هیچ شک و شبهه‌ای نیست.

۵-۲. عوامل اجتماعی

در اینجا به برخی از مهم‌ترین عناصر هویت‌ساز که در شکل‌گیری هویت نقش دارند، اشاره می‌شود:

۱. نهاد خانواده؛ ۲. موقعیت‌های اجتماعی (مدرسه و گروه همسالان)؛ ۳. رسانه‌ها.

الف. نهاد خانواده

خانواده یکی از عوامل اجتماعی تأثیرگذار بر جوانان و شکل‌دهنده هویت و شخصیت آنان است و اولین الگوهای رفتاری را خانواده به کودک ارائه می‌دهد. به همین دلیل بخش عظیمی از سعادت یا شقاوت جوانان و نوجوانان مربوط به خانواده‌های آنهاست. بر همین اساس دیدگاه یادگیری اجتماعی، مشاهده، تقلید و همانندسازی را به‌عنوان عناصر اساسی در شکل‌گیری هویت مؤثر می‌داند (قربانی، ۱۳۹۷، ص ۱۲۷).

در خصوص ضرورت آموزش فرزندان و حیطة آن، کلام امیرمؤمنان علیؑ در نهج البلاغه رهگشاست:

– آنجا که از حقوق فرزند بر پدر سخن می‌گوید: «إِنَّ لِلْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ حَقًّا، وَإِنَّ لِلْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ حَقًّا. فَحَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُطِيعَهُ فِي كُلِّ شَيْءٍ إِلَّا فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ، وَحَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يَحْسِنَ اسْمَهُ وَيَحْسِنَ أَدَبَهُ وَيَعْلَمَهُ الْقُرْآنَ» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، کلمات قصار ۳۹۹)؛ برای فرزند بر عهده پدر حقی است، و برای پدر نیز بر عهده

ب. پرورش صحیح توانایی‌های فرزندان

والدین باید با کمک متخصصان استعدادیابی و با توجه به حالات، روحیات و رفتارهای فرزندان خود، توانایی‌های ویژه آنها را شناسایی کرده و با توجه به نیازهای جامعه و زمانه، آنها را با برنامه‌ریزی پرورش دهند. چنین شخصی که توانسته است استعدادهای ذاتی خویش را پرورش دهد و با بهره‌برداری از آنها، نیازهای خود، خانواده و جامعه خویش را برطرف کند، احساس مفید بودن، عزت و شرافت می‌کند و به هویتی صحیح دست می‌یابد (کرباسی و وکیلان، ۱۳۸۸، ص ۴۹).

پرهیز از کشمکش خانوادگی، شرط اول پرورش و احیای استعدادهای مختلف، محیط مناسب و شرایط مساعد است. برخورد نامناسب زن و شوهر، موجب بروز بیماری‌های جسمانی، افسردگی‌ها و اضطراب‌ها می‌گردد و فرزندان چنین خانواده‌ای، اعتماد به نفس کمتری دارند. اما اگر محیط خانه سرشار از محبت و آرامش باشد، شرایط برای پرورش استعدادهای روحی و جسمی فرزندان آماده می‌شود (سبحانی‌نیا، ۱۳۸۳، ص ۱۷۴-۱۷۵).

انجام صلوة رحم و آشنا کردن کودک با محیط بیرون از خانه و ارتباط کودک با دنیای بیرون از خانواده سبب می‌شود که او دارای شخصیت و هویت اجتماعی پخته‌تر گردد. از دیگر پیامدهای ارتباط با اقوام این است که روابط فرزندان با اقوام و آشنایان، بیشتر و بهتر تحت نظارت و مدیریت والدین قرار دارد و آنها می‌توانند فرزندان را به دوستی و همنشینی با آشنایان شایسته و مناسب، ترغیب کنند (پیروفرز و حسینی، ۱۳۹۵، ص ۹۴).

۵.۳. نهادهای اجتماعی

نهادهای اجتماعی شامل نهادهای رسمی (مانند مدرسه) و نهادهای غیررسمی، شامل محله زندگی و گروه همسالان خواهد بود.

مدرسه یکی از نهادهای اجتماعی است که بر زندگی نوجوانان و تعریف آنان از خود، نقش مهمی دارد. با توجه به اینکه عمده‌ترین تکلیف اجتماعی نوجوانی، تحصیل محسوب می‌شود، *واژ و ایراکسون* (۲۰۰۸) حیطة تحصیلی را جنبه مهمی از هویت فرد می‌دانند.

چنان‌که با استفاده از آیه ۱۱ سوره «مجادله» هم می‌توان یادآور شد که علم موجب بلندی مرتبه انسان است و ارزش وجودی او را افزایش می‌دهد. امام صادق ع نیز فرمودند: «اکثر الناس قيمة اکثرهم علما» (حکیمی، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۳۷)؛ بالارزش‌ترین مردم، کسانی

هستند که از دانش بیشتری برخوردارند.

از پیامبر اکرم ص نقل شده که فرمودند: چون روزی آید که در آن علمی که مرا به خداوند نزدیک کند، بر من افزوده نشود؛ طلوع خورشید، آن روز برای من مبارک نیست. انسان از طریق اطاعت و عبادت خداوند به او نزدیک می‌شود و علم، موجب اطاعت و عبادت بنده است. به فرموده پیامبر اکرم ص: «ما علمت ان الله يطاع بالعلم و يعبد بالعلم» (همان، ص ۳۵)؛ انسان از طریق اطاعت و عبادت خداوند به او نزدیک می‌شود و علم، موجب اطاعت و عبادت بنده است.

اطاعت و عبادت، وقتی به نیت صادق و به شکل صحیح انجام می‌گیرد که دل در برابر خداوند خاشع می‌شود: «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ» (فاطر: ۲۸).

در نظام‌های آموزشی، افراد زیادی به کار مشغول اند و فعالیت‌های آنان به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در تربیت دانش‌آموزان مؤثر است، اما در این میان، نقش معلمان از دیگر افراد بسیار برجسته‌تر می‌نماید؛ چنان‌که بیشتر اوقات را دانش‌آموزان در مدرسه زیر نظر آنها سپری می‌کنند و عوامل دیگر هم فراهم‌آورنده زمینه برای فعالیت معلم‌هاست. از این رو، بسیاری از دانش‌آموختگان نظام آموزشی سنتی و جدید، شکل‌گیری شخصیت خود را مرهون معلمان خود می‌دانند (داودی، ۱۳۸۴، ص ۴). معلم نمی‌تواند نسبت به اخلاق و رفتار خود، آزاد و بی‌تفاوت باشد؛ زیرا محدوده اخلاقیاتش فراتر از خود اوست. او تنها مسئول خودش نیست؛ بلکه مسئولیت تعدادی از انسان‌های معصوم را نیز به عهده گرفته است. «معلم باید به این مسئولیت سنگین و ارزشمند و میزان و مقدار نفوذش در دانش‌آموزان، خوب بیندیشد و با اصلاح و اخلاق و رفتار خویش بهترین الگوها را در اختیار آنها قرار دهد» (امینی، ۱۳۸۴، ص ۱۰۱-۱۰۲). مقام معلم و تأثیر او بر افراد، آن‌قدر بااهمیت است که امیرمؤمنان ع در این باره می‌فرمایند: «اگر پدران سبب زندگی هستند پس آموزگاران حکمت و دین، سبب خوبی و زیبایی زندگی اند (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۲۰، ص ۲۶۱).

۵.۴. گروه همسالان

گروه همسالان یا همسال به اشخاصی محدود گفته می‌شود که از جهت سنی نزدیک به هم باشند (دانلسون، ۱۳۸۰، ص ۶۹). اهمیت گروه دوستان تا حدی است که پیامبر اکرم ص می‌فرمایند: «مثل همنشین خوب و همنشین بد مانند حمل‌کننده مشک و آهنگر

درجه ارتباط و عدم ارتباط از مسیر نهادهای اجتماعی، عاملی بسیار مهم در زندگی فرهنگی افراد جوان و روابطشان با ایدئولوژی‌های مسلط جامعه و ارزش‌های جامعه است. این نظریه‌پردازان معتقدند که منابع هویت‌های در دسترس نوجوانان عبارتند از: خانواده، رسانه‌های گروهی، مدرسه و گروه همسالان (واین و وایت، ۱۹۹۷).

نوجوانان در روابط با همسالان برای کسب هویت نیاز به خود‌پذیرندگی دارند و در گروه بودن برایشان حائز اهمیت است که به نوعی بر هویت آنها تأثیرگذار نیز خواهد بود. این احساس تعلق دلیلی قابل فهم برای جست‌وجو کردن و موفق شدن در روابط همسالان است. جست‌وجو برای هویت به نوجوانان این انگیزه را می‌دهد که با دوستان پذیرنده و حمایتگر که دارای علائق سازگار هستند، همسان شوند. همسالان هم حمایت اجتماعی و هم عرصه آزمایش را فراهم می‌کنند و چنین گروه‌هایی می‌توانند هویتی پایدار و البته سطحی را فراهم کنند (شهرآرای، ۱۳۸۴، ص ۲۹۱).

۵.۵. رسانه‌ها

زندگی اجتماعی انسان براساس ارتباط شکل می‌گیرد. براین‌اساس، ارتباط نه‌تنها یکی از عناصر مهم و اساسی زندگی گروهی انسان است؛ بلکه آن را باید سنگ‌بنای جامعه و هسته اصلی تشکیل ساختمان اجتماعی دانست؛ چراکه بدون ارتباط، هرگز فرهنگ پدیدار نمی‌گشت (امیرتیموری، ۱۳۷۷، ص ۱۰). این واژه در زبان فارسی به‌گونه‌ای نسبتاً جدید شمرده می‌شود که گاه در معنای مفرد و گاه در معنای جمع به کار رفته است. بدین معنا که گاه معادلی برای واژه Medium (رسانه) و گاه معادل Media (رسانه‌ها) است (احسانی، ۱۳۹۶، ص ۱۱).

رسانه در لغت به معنای روش یا ابزار مادی یا فنی تغییر شکل پیام به علامت‌ها (سیگنال‌ها) است که مناسب انتقال از یک مجرای (کانال) ارتباطی معین است. اما در اصطلاح، ابزاری است که به‌وسیله آنها ارتباط برقرار می‌شود. در فرهنگ بزرگ سخن در تعریف رسانه آمده است: «وسیله‌ای که اخبار و اطلاعات را به مردم می‌رساند؛ مانند رادیو، تلویزیون، مجله و شبکه‌های کامپیوتری» (انوری، ۱۳۸۱، ج ۴، ص ۳۶۱۵).

یکی از بااهمیت‌ترین ابزار رسانه کتاب و نامه است: «اللَّهُ نَزَلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُّشَابِهًا مَّثَانِي تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ ذَلِكَ هَدَىٰ اللَّهُ يَهْدِي بِهِ مَن يَشَاءُ» (زمر: ۲۳)؛ خدا زیباترین سخن را [به صورت] کتابی متشابه

هستند، پس کسی که مشک را حمل می‌کند، اگر به تو ندهد، از بوی عطرش به تو می‌رسد و اما آهنگر اگر لباس تو را نسوزاند، بوی بدش تو را می‌گیرد (متقی هندی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۰، ح ۲۴۷۳۶).

همین معنی در حدیث دیگری از امیرمؤمنان علی علیه السلام به صورت تأثیر متقابل بیان شده است: «همنشینی با خوبان، بدان را به خوبان ملحق می‌کند و همنشینی نیکان با بدان، نیکان را به بدان ملحق می‌سازد!» و در ذیل این حدیث جمله پرمعنای دیگری آمده، می‌فرماید: «و اگر از دین او آگاه نباشید، به دوستان و همنشینان نگاه کنید (اگر همنشین با دوستان خداست، او را از مؤمنان بدانید؛ و اگر با دشمنان حق است، او را از بدان بشمارید (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۱، ص ۱۹۷). و این‌گونه است که در روز قیامت دوزخیان می‌گویند: «يَا وَيْلَتَىٰ لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا» (فرقان: ۲۵)؛ ای وای بر من، کاش فلانی را دوست خود نگرفته بودم.

امیرمؤمنان علی علیه السلام تأثیر محیط و جامعه را در تربیت فرزندان، به‌ویژه نوجوانان، گوشزد می‌کند و می‌فرماید: «در شهرهای بزرگی که مرکز اجتماع مسلمانان است، مسکن‌گزین و از محیط و جوامعی که اهل غفلت و ستمکاری در آنجا هستند و یاران مطیع خدا کمتر در آن نواحی یافت می‌شوند، پرهیز» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، نامه ۶۹). محله و مکانی که فرد در آن زندگی می‌کند، تنها یک مکان فیزیکی و سرپناه نیست؛ بلکه پدیده‌ای است که انسان در تعامل خود با آن، بدان معنا می‌بخشد و خود را با آن تعریف می‌کند و می‌شناسد (دانش‌پور و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۳۷-۴۸). واین و وایت (۱۹۹۷) معتقدند که هویت اجتماعی در متن یک سلسله از تجربیات مربوط به زندگی، در وهله اول با بعد محلی و مکانی زندگی، خانواده و منابع اجتماعی ساخته شده است؛ جایی که شخص در آن زندگی و رشد می‌کند (از لحاظ فیزیکی و سازگاری‌های اجتماعی در دسترس). همچنین زمینه خانوادگی شخص، تأثیرات بسیار بر نگرش او به جهان اطراف و تجربه اجتماعی او می‌گذارد و نقش بسیار زیاد در شکل‌گیری هویت‌ها و سازگاری افراد با جهان اجتماعی‌شان دارد. علاوه بر این، شکل‌گیری هویت در نهادهای اجتماعی، مانند مدرسه، مکان‌های کاری، فعالیت‌های تفریحی و اوقات فراغت (هم‌به‌عنوان مشارکت و هم‌به‌عنوان تماشاکننده) نیز شکل می‌گیرد. بنابراین نهادهای اجتماعی، باید با مشارکت دادن نوجوانان و جوانان، به آنها احساس هویت ببخشند؛ زیرا قبل از هر چیز هویت به ارتباط اجتماعی مربوط است و

بیگانه یکسره حرف می‌زند و هرچه می‌خواهد می‌گوید و دیگران هم سراپا گوش می‌شوند.

دربارهٔ وسعت دنیای مجازی گفته شده است: «تلویزیون و رسانه‌ها با صرف وقت کودکان به دنیای مجازی، فرصت تجربه دنیای حقیقی و آشنا شدن با واقعیت‌های جذاب، نشاط‌آور و حتی مخاطره‌آمیز را از آنان سلب می‌کند، و این امر آنان را بی‌حوصله، حسود و... بار می‌آورد.

به دلیل گستردگی حوزهٔ تسلط شبکه‌های اجتماعی در جوامع امروزی و نیز برخورداری این پدیده از ویژگی‌های سیال بودن و حرکت پویامدارانه، لازم است که همگام با رشد و تکامل فناوری‌های و محتوایی شبکه‌های اجتماعی مجازی، در ابعاد مختلف، کارکرد آنها، به‌ویژه نقش آنها در منظر شناخت افراد از یکدیگر و نیز تأثیراتی که بر هویت افراد خواهند گذاشت، بررسی شود. باید گفت که یکی از مباحث مهم در مورد فناوری‌های نوین ارتباطاتی، به‌ویژه عرصهٔ فضای مجازی، نقش آنها در شکل‌گیری هویت افراد و جامعه است. شبکه‌های اجتماعی از طریق ارائهٔ الگوها و پیام‌های گوناگون و به نمایش درآوردن فرهنگ و اندیشه‌های مختلف، هویت و ثبات گذشته را تحت تأثیر قرار داده و به برساختن هویت‌ها، مطابق با خواسته‌های خود می‌پردازند. بنابراین، غفلت از تأثیرات فضای مجازی بر هویت افراد و جامعه، با توجه به تقریباً غیرممکن بودن کنترل کامل این فضا و ابعاد گستردهٔ آن، به‌طوری که افراد قادرند در تمام طول شبانه‌روز، با استفاده از رایانه‌های شخصی و تلفن همراه خود، حامل این فضا بوده و ارتباط دائم با آن برقرار کنند (حیدری، ۱۳۸۸، ص ۸).

از این‌روست که امام خمینی^ع می‌فرماید: «آنکه از همهٔ خدمات‌ها بالاتر است، این است که نیروی انسانی ما را رشد بدهد؛ و این به‌عهدهٔ مطبوعات است؛ مجله‌هاست؛ رادیو تلویزیون است؛ سینماهاست؛ تئاترهاست. اینها می‌توانند نیروی انسانی ما را تقویت کنند و تربیت صحیح بکنند و خدمتشان ارزشمند باشد» (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۸، ص ۴۹۸).

نتیجه‌گیری

آیات و روایات همواره اهمیت زیادی برای دوران جوانی قائل بوده‌اند و پیوسته افراد را به استفاده صحیح از این دوران تشویق کرده‌اند؛ چراکه این دوران است که پایه‌ساز آیندهٔ فرد خواهد بود، که اگر از

و متضمن وعد و وعید نازل کرده است. آنان که از پروردگارشان می‌هراسند، پوست بدنشان از [شنیدن و خواندن] آن به لرزه می‌افتد. سپس پوست و دلشان [بر اثر این شنیدن و یا خواندن] به یاد خدا نرم می‌گردد. این است هدایت خدا، که هر که را بخواهد هدایت می‌کند. امیرمؤمنان علی^ع نیز می‌فرماید: «رَسُولُكَ مِيزَانُ نُبْلِكَ وَ قَلَمُكَ اَبْلَغُ مَنْ يَنْطِقُ عَنكَ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۸۹)؛ فرستاده تو ترازوی نجابت [و ترجمان عقل] توست، و قلم تو بلیغ تر و رساتر از کسی است که از طرف تو سخن می‌گوید.

رسانه‌ها به دلیل اینکه تار و پود نمادین زندگی ما هستند، همچون تجارب واقعی که بر ذهنیت ما تأثیر می‌دارند، بر آگاهی و رفتار ما «تأثیر» دارند، و مواد خامی را فراهم می‌سازند که ذهن ما با استفاده از آن، کار می‌کند (کاستلز، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۳۹۲). هر فرد از آن نظر که مدیر وجود خویش و مسئول سعادت خویش است، موظف است در مورد افکاری که می‌خواهد به مغز خود وارد کند، مراقب کند و مسئولان اجتماع نیز از آن نظر که مدیر و مسئول جامعه‌اند، وظیفه دارند که مراقب اغذیه روحی اجتماع باشند. گذشته از همه اینها، ما از آن نظر که مسلمانیم و هر مسلمانی مسئول سعادت برادران دینی خود هم هست، همه باید مراقب یکدیگر از لحاظ افکار و اندیشه‌هایی که به مغز خود وارد می‌کنیم، باشیم (مطهری، ۱۳۸۹، ص ۲۳۵).

قرار گرفتن در معرض رسانه‌هایی همچون اینترنت و ماهواره می‌تواند در نگرش‌ها و رفتار و هویت مردم تأثیر بگذارد. استمرار پرداختن به آنها ممکن است در بلندمدت تأثیر منفی داشته باشد و سبب کاهش همدلی، عدم بازاری، پاسخ‌های پرخاشگرانه، عدم احساس تعلق ملی و مذهبی و تقویت این عقیده شود که دنیا محل خطرناکی است (نیازی و شفائی‌مقدم، ۱۳۹۱، ص ۹۹).

از این‌رو، مک‌گاتر، ورود ابزارهای رسانه‌ای را به ورود بیگانه تعبیر کرده است و می‌گوید: به‌طور متوسط شش روز در هفته، بیگانه‌ای در خانه شما حضور دارد. بیگانه‌ای که آزادانه در همه جای خانه سر می‌زند و تأثیر می‌گذارد. این بیگانه وظیفه ساده‌ای دارد و آن محدود کردن توانایی ما و بچه‌ها در تشخیص رؤیا از واقعیت است. ما به او اجازه می‌دهیم که در هر ساعتی وارد خانه‌مان شود. اگر ما دربارهٔ بیگانگان و غریبه‌ها به بچه‌هایمان هشدار می‌دهیم؛ متأسفانه دربارهٔ این بیگانه هیچ هشدار به بچه‌ها نمی‌دهیم. این

منابع.....

- نهج البلاغه، ۱۳۷۹، ترجمه محمد دشتی، قم، الهادی.
- ابن ابی‌الحدید معتزلی، عبدالحمید بن هبته‌الله، ۱۴۰۴ق، شرح نهج البلاغه، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- ابن قیم جوزی، محمد بن ابی‌بکر، ۱۴۰۸ق، الصواعق المرسله فی الرد علی الجهمیه والمعطله، ریاض، دار العاصمه.
- ابوالقاسمی، محمود و همکاران، ۱۳۹۲، «تأثیر اینترنت بر ارزش‌های خانواده از منظر هویت دینی و ملی»، مطالعات ملی، ش ۱۴ (۵۵)، ص ۲۴-۳.
- احسانی، حمیده، ۱۳۹۶، نقش و تأثیر رسانه‌ها در تربیت اجتماعی و دینی کودکان، نوجوانان، جوانان و خانواده، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، اصفهان، دانشگاه فرهنگیان.
- آذرخش، اردشیر، ۱۳۸۷، بررسی وضعیت هویت دینی دانش‌آموزان مدارس متوسطه (پسرانه) شهر سنندج، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، اصفهان، دانشگاه اصفهان.
- امیر تیموری محمدحسن، ۱۳۷۷، رسانه‌های آموزشی، شیراز، ساسان.
- امینی، ابراهیم، ۱۳۸۴، اسلام و تعلیم و تربیت، قم، بوستان کتاب.
- انوری حسن، ۱۳۸۱، فرهنگ بزرگ سخن، تهران، سخن.
- ایزدی، مهشید و کبری قاسمی، ۱۳۹۰، «تأثیر استفاده از شبکه اطلاعات جهانی بر هویت دینی - ملی دانش‌آموزان»، کتاب ماه علوم اجتماعی، دوره جدید، ش ۴۸، ص ۱۱۴-۱۲۱.
- پیروفرز، سهیلا و سیدعلی‌اصغر حسینی محمدآباد، ۱۳۹۵، «نقش خانواده در تکوین هویت فردی فرزندان با تأکید بر آموزه‌های دینی»، پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، سال بیست و دوم، ش ۱۱۱، ص ۷۱-۹۴.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۴۱۰ق، غررالحکم و دررالکلم، تحقیق و تصحیح سیدمهدی رجائی، قم، دارالکتاب الاسلامی.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۷، تفسیر انسان به انسان، چ چهارم، قم، اسراء.
- _____، ۱۳۹۰، انسان از آغاز تا انجام، چ سوم، قم، اسراء.
- چیت‌ساز قمی، محمدجواد، ۱۳۸۳، گسست نسلی در ایران: افسانه یا واقعیت، تهران، جهاد دانشگاهی.
- حکیمی، محمدرضا، ۱۳۹۵، الحیات، ترجمه احمد آرام، قم، دلیل ما.
- حیدری، شقایق، ۱۳۸۸، چکیده مقالات همایش فضای مجازی و هویت، تهران، تمدن ایرانی.
- دانش‌پور، سیدعبدالهادی و همکاران، ۱۳۸۸، «تبیین مدل دل‌بستگی به مکان و بررسی عناصر و ابعاد مختلف آن»، هنرهای زیبا معماری و شهرسازی، ش ۳۸ (۱)، ص ۴۸-۳۷.
- دانلسون، آر. فورسایت، ۱۳۸۰، بویایی گروه، ترجمه جعفر نجفی‌زند و حسن پاشا شریفی، تهران، دوران.
- داودی، محمد، ۱۳۸۴، نقش معلم در تربیت دینی، قم، حوزه و دانشگاه.
- سبحانی‌نیا، محمد، ۱۳۸۳، بررسی مسائل جوانان، قم، بوستان کتاب.
- سفیری، خدیجه و معصومه غفوری، ۱۳۸۸، «بررسی هویت دینی و ملی جوانان شهر تهران با تأکید بر تأثیر خانواده»، پژوهش جوانان، فرهنگ جامعه، ش ۲، ص ۲۷-۱.

این فرصت به‌خوبی استفاده نشود، دیگر زمانی برای جبران آن وجود نخواهد داشت. همان‌طور که پیامبر اکرم ﷺ خطاب به ابوذر غفاری می‌فرماید: «ای ابوذر! پیش از آنکه پنج چیز به تو روی آورد، پنج چیز را غنیمت شمار؛ جوانی را پیش از پیری و... (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۷، ص ۷۵).

در منابع دینی ابعاد هویت و عوامل تأثیرگذار بر آن به‌روشنی ذکر شده‌اند و بر نقش خودشناسی به‌عنوان عامل فردی، برای کسب هویت تأکید فراوان شده است. درواقع خودشناسی و کسب هویت دینی است که به زندگی جوان جهت و هدف خواهد داد و او را برای زندگی در جامعه آماده خواهد کرد. جامعه‌ای که خود شامل عواملی تأثیرگذار همچون خانواده، گروه همسالان و رسانه‌هاست که اگر این نهادهای اجتماعی به‌خوبی از عهده وظیفه خود برآیند، جوان خواهد توانست هویت دینی خود را به‌درستی بازشناسد و در راه کمال و سعادت گام بردارد.

اولین مکان اجتماعی برای کسب هویت، خانواده است؛ مکانی که جوان را از نظر عاطفی، امنیت، آسایش و اقتصادی حمایت خواهد کرد. محیط اجتماعی دومی که تقریباً هر کودکی با آن برخورد می‌کند و در آن حضور می‌یابد، مدرسه است. در مدرسه گروه همسالان و معلمان الگوهای بالقوه برای تقلید کردن فرد به‌شمار می‌روند. ما باید جوانان و خواسته‌های او را بشناسیم و با علایق و دغدغه‌های او آشنا باشیم و او را درک کنیم تا خانه، مأمنی امن برای او باشد. وقتی جوان با کوله‌باری از اخلاقیات و اعتقادات وارد جامعه می‌شود، راحت‌تر می‌تواند انتخاب کند و مسیر صحیح را بیابد؛ همنشین و دوستی شبیه خود بیابد و با نشست و برخاست با او بیشتر رنگ خدایی بگیرد و با علم‌آموزی بهتر به درک حقایق و فضایل اخلاقی نایل آید. حال آنکه امروزه با گسترش ارتباطات و رسانه‌های جمعی، بیگانگی‌ای قدرتمند، ناخواسته سهمی عظیم در تربیت و هویت‌یابی فرزندانمان پیدا کرده است و نظارت همه‌جانبه والدین را غیرممکن ساخته است. پس بجاست تا با صلهٔ ارحام و ارتباطات سنتی، دنیا را برای فرزندان عینی‌تر و هویت‌یابی دینی را آسان‌تر کنیم تا در جامعه آسان‌تر سیاست‌های تهاجمی فرهنگ غرب در مقابل دین خود را بازشناسند و سربلند پیش روند. در حقیقت ثمرهٔ هویت دینی و زندگی دینی، چیزی جز شادی و امید به آینده‌ای روشن نخواهد بود؛ آینده‌ای که به صالحان ارث خواهد رسید.

مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحارالانوار*، بیروت، مؤسسه الوفاء.

محدث نوری، میرزاحسین، ۱۴۰۸ق، *مستدرک الوسائل*، قم، اسماعیلیان.

مطهری، مرتضی، ۱۳۸۷، *اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب*، تهران، صدرا.

_____، ۱۳۸۹، *مقدمه‌های بر جهان بینی اسلامی (۶): زندگی جاوید یا حیات اخروی*، تهران، صدرا.

معین، محمد، ۱۳۵۱، *فرهنگ معین*، تهران، امیرکبیر.

موسوی خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۸۵، *صحیفه امام*، چ سوم، تهران، عروج.

نیازی، محسن و الهام شنائی‌مقدم، ۱۳۹۱، «بررسی تأثیر رسانه‌های جمعی در گرایش به هویت ملی (مطالعه موردی شهروندان شهرستان کاشان)»، *مطالعات میان‌رشته‌ای در رسانه و فرهنگ*، ش ۲(۱)، ص ۹۹-۱۲۷.

نیازی، محسن، ۱۳۹۰، «نقش ماهواره و برنامه‌های ماهواره‌ای در فرسایش هویت فردی، اجتماعی، ملی و دینی شهروندان شهر کاشان در سال ۱۳۸۹»، *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ش ۷(۲)، ص ۱۸۹-۲۱۹.

ورامین ابی‌فراس، مسعودین عیسی، ۱۳۶۹، *تنبیه الخواطر و نزهة انواظر* معروف، ترجمه محمدرضا عطایی، مشهد، آستان قدس رضوی.

ویسی، زاهد، ۱۳۸۵، «دین‌ورزی عامه و پیامدهای آن (بررسی بنیادها، نمادها و پیامدها)»، *کتاب نقد*، ش ۴۷، ص ۴۴-۸۳.

Kroger, J., 2000, "Identity development, adolescence through adulthood", *Journal of personality*, N. 31, p. 5-20.

Kroger, J., 2013, *Identity in adolescence, the balance between self and other*, New York, Routledge.

Was, C. A. & Isaacson, R. M., 2008, "The development of a measure of academic identity status", *Journal of Research in Education*, N. 18, p. 94-105.

Wyn, J., & White, R., 1997, *Rethinking youth*, London, Sag.

سلمان پور، جواد، ۱۳۸۴، *هویت دانشجویی و دانش پژوهی و روشنفکری*، تهران، عابد.

سیاسی، علی اکبر، ۱۳۸۳، *روان‌شناسی شخصیت جوان از دیدگاه قرآن*، حدیث و علم روان‌شناسی، چ دوم، تهران، فرهنگ مکتوب.

شجاعی‌زند، علیرضا، ۱۳۸۳، «نقش و عملکرد دین در وضعیت انقلابی»، *جامعه‌شناسی ایران*، دوره پنجم، ش ۳، ص ۲۸-۶۶.

شریفی، اسماعیل و اکرم کاکاوندی، ۱۳۸۹، «رابطه سرمایه اجتماعی خانواده با هویت جوانان»، *پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه*، ش ۴، ص ۲۵-۵۰.

شهرآرای، مهرناز، ۱۳۸۴، *روان‌شناسی رشد نوجوان، دیدگاهی تحولی*، تهران، علم.

شهریاری‌نسب، سروش، ۱۳۹۴، «بررسی تأثیر ناخودآگاه در شکل‌گیری هویت انسان»، *سراج منیر*، سال ششم، ش ۱۹، ص ۱۱۶-۱۳۶.

طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۸۷، *تفسیر المیزان*، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین.

عمید، حسن، ۱۳۷۵، *فرهنگ عمید*، تهران، امیرکبیر.

فکوهی، ناصر، ۱۳۸۱، «شکل‌گیری هویتی و الگوهای محلی، ملی و جهانی»، *انجمن جامعه‌شناسی ایران*، ش ۴، ص ۱۲۷-۱۶۱.

فیض کاشانی، ملاحسن، ۱۳۴۱، *المحجۃ البيضاء*، قم، جامعه مدرسین.

قادر، مجتبی، ۱۳۸۴، *انثار و پیامدهای جامعه شبکه‌ای بر روی هویت اجتماعی جوانان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته جامعه‌شناسی، اصفهان، دانشگاه اصفهان.

قاسمی وحید و همکاران، ۱۳۹۱، «تعامل در فضای مجازی شبکه‌های اجتماعی اینترنتی و تأثیر آن بر هویت دینی جوانان»، *مطالعه موردی فیس‌بوک و جوانان شهر اصفهان*، *دین و ارتباطات*، پیاپی ۴۲، ص ۵-۳۶.

قربانی، فاطمه، ۱۳۹۷، «آسیب‌شناسی اجتماعی علل و عوامل شکل‌گیری هویت در جوانان بر مبنای قرآن و روایات»، *نامه الهیات*، سال یازدهم، ش ۴۴، ص ۱۱۸-۱۴۵.

قمی، شیخ عباس، ۱۳۷۴، *سفینه البحار*، مشهد، آستان قدس رضوی.

کاستلز، مانوئل، ۱۳۸۴، *عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ (ظهور جامعه شبکه‌ای)*، ترجمه احد علیقلیان و افشین خاکباز، تهران، طرح نو.

کاپلستون، فردریک، ۱۹۴۶، *تاریخ فلسفه (از ولف تا کانت)*، ترجمه اسماعیل سعادت و منوچهر بزرگمهر، تهران، علمی و فرهنگی.

کرباسی، منیژه و منوچهر و کیلیان، ۱۳۸۸، *مسائل نوجوانان و جوانان در ایران معاصر*، تهران، دانشگاه پیام نور.

کلانتری، عبدالحسین، و همکاران، ۱۳۸۸، «هویت دینی و جوانان (نمونه آماری جوانان شهر شیراز)»، *تحقیقات فرهنگی ایران*، ش ۲ (پیاپی ۶)، ص ۱۲۵-۱۴۱.

لطف‌آبادی، حسین و وحیده نوروزی، ۱۳۸۳، «بررسی چگونگی نگرش دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی ایران به جهانی‌شدن و تأثیر آن بر ارزش‌ها و هویت دینی و ملی آنان»، *نوآوری‌های آموزشی*، ش ۳ (۹)، ص ۸۸-۱۱۹.

متقی هندی، علی‌بن حسام‌الدین، ۱۴۱۳ق، *کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال*، بیروت، مؤسسه الرساله.